■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۸۲ ■ شنبه ■ ۱۶ اسفند ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۵ | اذان مغرب ۱۸/۲۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۴ | اذان صبح فردا ۵/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۵

سخن روز

امام محمد باقر(ع):
سخن طیب و پاکیزه را از هر که گفت بگیرید، اگرچه او خود، بدان عمل نکند.
تحف العقول، ص۳۹۱

موسیقی برای صیقل دادن روح جوانان است

اکبر گلپایگانی: از فردی که در حوزه هنر و ادبیات فعالیت می کند، ابتدا باید یک جمله بپرسیم: شما برای موسیقی، شعر و ادبیات مملکت خود چه کرده اید؟ این موضوع بسیار مهم است. آنچه از موسیقی می دانیم، این است که موسیقی برای صیقل دادن روح جوانان است و باید روی این نکته بسیار کار کنیم؛ نکته‌ای که من و بسیاری دیگر به خوبی بلدیم و اگر توجه نکنیم، در جاهای دیگر به نداری می خوریم و حیثیتی که برای موسیقی ما در طول سال‌ها جمع شده نیز از دست می رود؛ نتیجه این خواهد شد که مردم بی‌تفاوت می‌شوند و می گویند فلانی را رها کنید، چون راهش عوض شده است. من نمی گویم چه راهی خوب یا بد است و هر کسی راه خود را می رود. ممکن است فردی کسب ثروت و مقام را مد نظر داشته باشد، اما معتقدم راه درست فقط راه عشق و راه دوستی و صمیمیت است. خدا کند در روح آدم، لکه‌هایی پیدا نشود. ما باید فقط و فقط موسیقی و عشق را مد نظر داشته باشیم؛ حرفی که آقای حسین تهرانی، اسطوره ضرب ایران می‌زد. آدم از صحبت‌های او لذت می برد؛ موسیقیدانی که معلم بسیار خوبی هم بود.

بخشی از گفت‌وگوی این خواننده پیشکسوت با «هنرآنلاین»

همان‌گونه که پوست، اجزایی چون استخوان‌ها، عضلات، روده‌ها و رگ‌های خونی را در برگرفته و آنها را از دید انسانی مخفی ساخته است، خودبینی و غرور نیز پوششی برای بی‌قراری‌ها و هیجانات روح اند، پوستی که بر روح آدمی کشیده شده است.

وقتی نیچه گریست
اروین د.یالوم / سپیده حبیب

نـــگاره
پریسا نوراللهی

کادر درمان

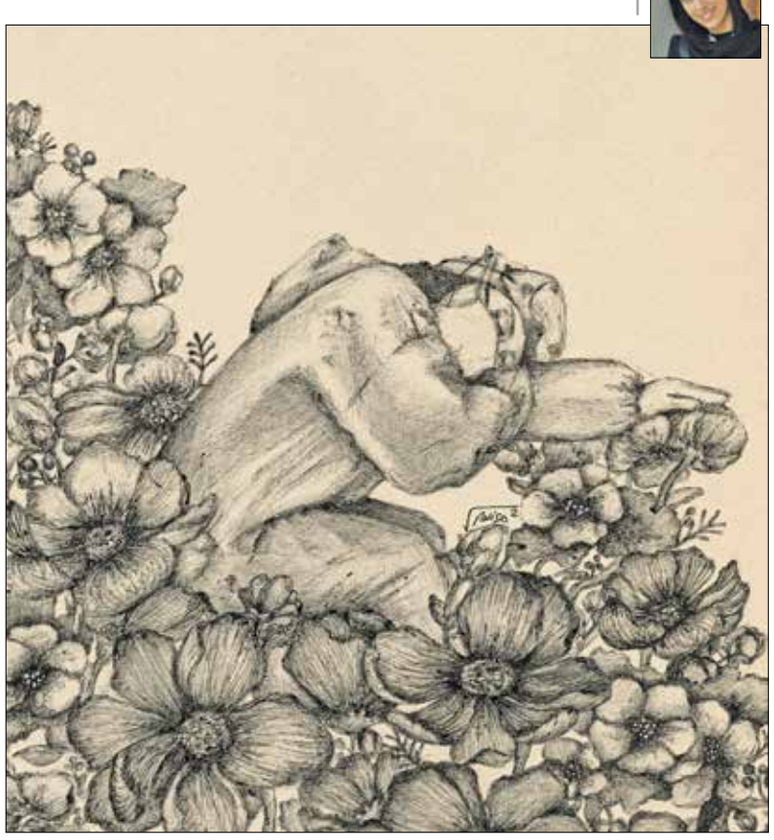

#کرونا

هشتگ

استرس و نگرانی کاربران از کرونای جهش یافته همچنان ادامه دارد. خبرهایی که درباره شرایط بد مبتلایان به این کرونا منتشر می‌شود همه را می‌ترساند و درباره لزوم رعایت کردن پروتکل‌ها و البته سرعت بیشتر واکسیناسیون می‌نویسند: «در حالی که از دیشب درگیر تب و لرز هستم و منتظر جواب آزمایش و در منزل مادر مستقر شدم، همسایه طبقه پایین‌شان جشن نامزدی گرفته و صدای دست وجیغ‌وهورا بلند است»، «با این شکل از واکسیناسیون کرونا، تا چند ماه آینده می‌شویم جزیره‌ای تک افتاده و ورود ممنوع، در نقشه وسیع جغرافیای جهان انگشت‌نما.»، «اینجا خوزستان. بیش از ۱۵۰۰ بیمار کرونایی بستری در بیمارستان. از هر ۲ نفر تست کرونا، یکی مثبت. بیمارستان‌های ارتش در اختیار بیماران کرونایی...»، «پارسال همین روز بود که چند روز پایان سال رو اومدیم دورکاری آنلاین خونه. الان سالگردشه. زمان داره معنی خودشو از دست می‌ده انگاری، زیر سایه کرونا و این شرایط حساس کنونی...»، «چه جوری ۱۶ روز دیگه عیده؟ مگه همین یه هفته پیش نبود که فکر می‌کردم دو هفته بمونیم خونه کرونا تموم میشه؟»، «فکر کنم کرونا درس بزرگی بود برای سینه‌چاکان جهانی‌سازی و دهکده‌جهانی، سر قضیه واکسن حتی زور اروپا به انگلیس و امریکا هم نمی‌رسه و اولویت تولید واکسن اول برای خودشون هست حتی اگر در اتحادیه اروپا تولید بشه»، «مگه نمیگن ویروس جهش یافته تو خوزستان همه رو گرفتار کرده، مگه نه اینکه ویروس از عراقی‌ها منتقل شده. پس چرا اونجا مثل خوزستان اینجوری کشته نمیده»، «در ایران هنوز حتی یک درصد جمعیت کشور هم واکسن کرونا نزدند. چه کشورهایی شبیه ما هستند؟»، «اوضاع خوزستان خیلی خرابه، چه خبره اونجا؟ پدرم می‌گه از هر دو نفر عکس سی‌تی یک نفر مبتلا به کروناست.»، «با اینکه خیلی‌ها واسه اختلالات اعصاب و روان به متخصصان دیگه مراجعه می‌کنند هر روز نیمی از بیماران من دچار مشکلات سوگ و افسردگی و اضطراب ناشی از دست دادن عزیزانشان به خاطر کرونا هست. واکسن بخرید و واکسیناسیون واقعی را شروع کنید. مردم را بیشتر سوگوار نکنید»، «این همه واکسن داره وارد کشور میشه با چه نظارتی به واجدین شرایط تزریق میشه؟! اوضاع اهواز از مرز بحران گذشته، کادر درمان هنوز واکسن نزدن. هر روز صبح داریم با خبر فوت دوست و آشنا از خواب بیدار میشیم و شب با دعای شفای عاجل»، «عروسک‌های بستری... تعداد نوزادان و کودکان مبتلا به کرونا در خوزستان و موارد بستری در بخش‌های ویژه رو به افزایش است. کرونا با دنیا کودکانه بچه‌ها خیلی بی‌رحم‌تر از قبل است...به‌خاطر این بچه‌های معصوم رعایت کنیم...».

سر شب خونه باش

ماجرا

دیروز وزیر ارتباطات درباره حذف بسته‌های شبانه اینترنت حرفی زد که بازتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت. محمدجواد آذری جهرمی گفت: «در پی اعتراض مراجع فرهنگی و دریافت یک ابلاغیه، بسته‌های اینترنت رایگان شبانه حذف شد. در این ابلاغیه آمده این بسته‌ها تأثیر منفی روی دانش‌آموزان و دانشجویان داشت و آنها را شب بیدار نگه می‌داشت و صبح نمی‌توانستند سرکلاس حاضر شوند.» کاربران با ناراحتی و گاهی با طنز درباره این تصمیم و نتایجش می‌نوشتند: «شهریورماه که فاطمه محمدبیگی از فساد اندروید و اینترنت شبانه گفت، باور نمی‌کردیم این سخنان واکنشی بجز خنده در پی داشته باشد، اما قدرت و پیگیری مجلس انقلابی را دست‌کم نگیرید.»، «یعنی پولشو بگیریم ولی بسته رو کلا حذف کنیم. بدون اطلاع قبلی. کاری که مبین‌نت به شکل نامحسوس انجام داد و هر چی گفتیم هیچ جوابی نداد»، «چند وقت دیگه اینترنت رو کلاً قطع میکنن و یه ابلاغیه میدن که باعث میشد مردم از کار و زندگی بیفتن همش سرشون تو گوشی باشه»، «مراجع فرهنگی باید در مورد شب و روز ما هم تصمیم بگیرن؟»، «بچه‌ها شبا زود بخوابین وگرنه مراجع فرهنگی ناراحت میشن»، «این باور «هر جا رفتی باید شب برگردی خونه» در سراسر ارکان و شئون مملکت نهادینه شده. واقعن چرا فکر نمی‌کنین کاری که تو شب می‌شه کرد تو روز هم می‌شه؟ گرفتاری شدیم به خدا»، «یهو نمیان اینترنت رو ملی کنن. اول گرون میکنن اینترنت رو. بسته‌های اقتصادیش رو حذف میکنن. بعدش اینترنت رو شب‌ها قطع و وصل میکنن. بسته‌های شبانه رو حذف میکنن. دسترسی رو سخت‌تر و سخت‌تر میکنن. در آخر به بهانه‌ای ساختگی کلاً از بیخ می‌بندنش.»، «اگه بسته‌های اینترنت شبانه حذف بشن دیگه با چی فیلم و سریال دانلود کنم؟»، «به جان خودم اینا الان فکر میکنن کلاً مردم شبا اینترنت ندارن»، «چرا فکر می‌کنید دانای کل هستید می‌تونید برای مردم تصمیم بگیرید؟ بسته‌های نامحدود شبانه حذف کردید شب بیدار نمونن؟»، «حذف بسته‌های نامحدود شبانه اشتباه بود. خیلی از بچه‌های کنکوری برای دانلود فیلم‌های درسی ازش استفاده می‌کردن. اونم بیشتر توی مناطق محروم. تصمیمات خلق‌الساعه و بدون تفکر»، «در واقع میخوان با حذف اون بسته پول بیشتری با هل دادن مردم به سمت خرید بسته‌های روزانه به جیب بزنن! (چون ارزون بود و ملت فیلم دانلود می‌کردن و حجم زیادی از نت ارزون در اختیار مردم بود)»، «ممنون از مراجع فرهنگی که به‌جای حل کردن مسأله کلاً پاکش میکنن بابا من با adsl و اون سرعتش چجوری ۶۰ گیگ گیم رو آپدیت کنم؟ حجمش هیچی اصلاً»، «مشکل کشور همین نهادهای موازی و مراجع فرهنگی هستن که فراتر از قانون و خواست مردم عمل می‌کنن»، «اگه برق شبانه رو هم قطع کنن، کل دغدغه فرهنگی این مراجع فرهنگی حل میشه.»، «بابا ما به خدا فقط بازی و فیلم دانلود می‌کردیم و آپدیت بازیامونو می‌گرفتیم.».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

امتیازهای حمایتی سازمان سینمایی و سینمادارن تنور اکران نوروزی را داغ می‌کند؟

بالا رفتن انگیزه صاحبان فیلم‌ها و یک نگرانی

یادداشت

غلامرضا موسوی
تهیه‌کننده سینما

امسال رقابت‌های نوروزی به دلیل کرونا شکل و شمایلی تازه پیدا کرده است. این شیوه جدید را باید شناخت و تهیه‌کنندگان سینمای ایران را همانند دیگر همکارانشان در جهان درک کرد. سال‌هاست که اکران نوروزی یکی از پرطرفدارترین اکران‌های سینمایی است. سال‌هاست که برنامه اکران نوروزی با کلی برنامه‌ریزی و گه‌گاه برنامه‌نویسی همراه است و حتی در بسیاری از موارد با توسل به پارتی مواجه است، چرا که تعطیلات ۱۵ تا ۲۰ روزه بهترین فرصت را برای فیلم‌ها و سالن‌ها فراهم می‌کند که بتوانند با استفاده از این وقت آزاد تماشاگران را به سالن‌های سینما جلب کنند. ۳ سال قبل ایام عید استقبال به قدری بالا بود که تنها بلیت فروش اینترنتی کشورمان بارها و بارها هنگ کرد. همان جا بود که در مقابل اعلام نگرانی من به عنوان مسئولی صنفی نسبت به این مسأله، امکان افزایش فروش اینترنتی فراهم شد و بعد از آن در زمان مسئولیت دکتر حسین انتظامی شاهد شکسته شدن انحصار بلیت فروش اینترنتی بودیم و الان علاوه بر سامانه اینترنتی سابق با دو شبکه ایران تیک و گیشه هفت هم رو به رو هستیم.

اما امسال اگرچه سه فروشنده اینترنتی بلیت داریم اما برای اکران معلوم نیست که فیلم‌هایی داشته باشیم که این سه بتوانند به طریق اولی پاسخگوی مردم باشند. امسال تهیه‌کنندگان با تردید به اکران فیلمشان در ایام نوروز فکر می‌کنند. به گونه‌ای که هم سینمادارن و هم سازمان سینمایی کشور برای تشویق تهیه‌کنندگان جهت اکران فیلم‌های پرمخاطب، امکانات تشویقی قائل شده است. سینماها اعلام کرده‌اند که آماده‌اند برای فیلم‌های با فروش متوسط بالا، تا ۵ دقیقه آگهی رایگان به نفع صاحبان فیلم پخش کنند. این اقدام می‌تواند برای فیلم‌های پرفروش به شرط بازاریابی صحیح ۴۰ تا صددرصد هزینه را تأمین کند. بسته به اینکه تهیه‌کننده و پخش بتواند با چه کسانی به عنوان اسپانسر به تفاهم برسد و طبیعتاً تمام وجه متعلق به سرمایه‌گذاران و تهیه‌کننده خواهد بود.

سازمان سینمایی هم همان‌گونه که اعلام کرده برای هر فیلم ۲۰۰ میلیون تومان بودجه تبلیغاتی در نظر گرفته است تا فیلم‌ها بتوانند خودشان را به مردم ارائه کنند. این حمایت تشویقی علاوه بر ۲ تا ۵ درصدی است که به سالن‌ها برای مساعدت در ایام کرونا پرداخت می‌شود. ۵۰ درصد این مبلغ ۲ تا ۵ درصد به تهیه‌کنندگان تعلق می‌گیرد. نکته جالب‌تر اینکه حتی اگر به دلیلی سالن‌های سینما تعطیل شوند سهم صاحبان فیلم‌ها به آنها پرداخت خواهد شد. با توجه به شرایطی که سینمادارن و سازمان سینمایی برای جذب فیلم‌های پرمخاطب درنظر گرفته‌اند برخی از تهیه‌کنندگان جهت اکران نوروزی اعلام آمادگی کرده‌اند اما نگرانی آنها تعطیلی سالن‌ها در شرایط نارنجی شدن احتمالی تهران و برخی از شهرستان‌های بزرگ است. جشنواره ملی فیلم فجر نشان داد که در صورت نمایش فیلم‌های پرمخاطب و اصطلاحاً جذاب تماشاگران با توجه به رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی از نمایش فیلم در سالن‌ها استقبال می‌کنند و البته سالن‌های سینما نیز در ایام جشنواره نشان دادند که می‌توانند به بهترین شکل شیوه‌نامه‌های بهداشتی را رعایت کنند. به هر حال سالن‌های سینما همانند دیگر مراکز تجمع تا حداقل اواسط واکسیناسیون کامل به گونه‌ای که باید و شاید مورد اقبال کامل تماشاگران قرار نخواهند گرفت. واکسیناسیون که سرعت بگیرد و طبیعتاً مرگ و میرهای کرونا که کاهش یابد ترس مردم خواهد ریخت و سالن‌های سینما به شرط اکران فیلم‌های جذاب و پرمخاطب به تدریج به جایگاه قدیمی خود دست خواهد یافت و مردم همچنان ترجیح خواهند داد که فیلم را در سالن‌های سینما ببینند.

به بهانه برگزاری هجدهمین دوره از جشنواره عروسکی تهران - مبارک

عروسک منبع آرامش کودکان

یادداشت

مهرنوش نرسی
روانشناس بالینی

عروسک در هر شکلی دنیای کودک را انبساط می‌دهد و بزرگ می‌کند. عروسک‌ها و بازیچه‌ها سمبل‌هایی از دنیای واقعی هستند که با پیوستن به دنیای درونی کودک جان می‌گیرند و به کودک فرصت می‌دهند دنیا را تحت کنترل بگیرد. گاهی یک عروسک شیء مهمی برای کودک می‌شود که با همراه داشتن آن، گویی یک نگهبان و منبع آرامش را در کنار خود دارد. از دید والدین از عروسک خرگوشک کودک چیزی نمانده به جز چند تکه پارچه کهنه و نخ آویزان اما برای کودک خرگوشک یار توانا و امنیت‌بخشی است که با بودنش کودک در کشف دنیا و گذراندن لحظات زندگی تنها نیست. عروسک‌ها در اتاق بازی درمانی ابزار بسیار مهمی هستند. کودکان به سرعت عروسک‌های سمبل اعضای خانواده را پیدا می‌کنند و آنها را در جایگاهی قرار می‌دهند که در ذهن کودک جایگاه اصلی آنها محسوب می‌شود. دوری و نزدیکی عروسک‌هایی که کودک در صحنه بازی خود چیده است، رفتارها و عکس‌العمل‌هایی که عروسک‌ها نشان می‌دهند و حرف‌هایی که از زبان آنها گفته می‌شوند، ترکیبی است از ماجراهایی که بر کودک گذشته است و تلاش کودک برای تسلط بر آن رخدادها؛ مثلاً کودکی وارد اتاق درمان می‌شود، عروسک نوزاد را برمی‌دارد و صدای گریه در می‌آورد. عروسک مادر، قربان صدقه نوزاد عروسکی می‌رود و کودک که حالا نیروی غالب این نمایش تکراری است، نوزاد را زیر شن دفن می‌کند و عروسک مادر را وادار می‌کند که دنبال نوزاد بگردد. چه اتفاقی افتاده است؟ کودک صحنه بیرونی زندگی خود از رابطه مادر و نوزاد جدیدی که در خانواده است را در ترکیب با خشم و حسادت طبیعی خود به نمایش در آورده است و کاری را کرده که در دنیای واقعی امکان آن وجود ندارد: از دست نوزاد پرسروصدا و مزاحم خلاص شده است. همین کودک با داشتن فرصت بازی با عروسک‌ها و برون‌ریزی و مدیریت احساسات خود، کم کم با عروسک نوزاد مهربان می‌شود و به‌تدریج شاهد آن هستیم که به نوزاد عروسکی شیر می‌دهد و او را می‌خواباند. در درمان کودکان، بهترین عروسک‌ها، مقاوم‌ترین آنها هستند. عروسک‌های اعضای خانواده یا مشاغل مختلف مانند پزشک، پلیس یا معلم به نحوی ساخته می‌شوند که هیجان خاصی را بروز ندهند تا کودک بتواند درون خود را روی آنها فرافکنی کند. از سوی دیگر باید از مواد اولیه مقاوم ساخته شده باشند تا در برابر پرت شدن، کشیده شدن، دفن شدن زیر شن، کتک خوردن و... مقاومت داشته باشند و از طرف دیگر آنقدر انعطاف داشته باشند که کودک به راحتی آنها را در آغوش بگیرد و عشق، محبت و نوازش خود را نسبت به آنها ابراز کند. کودکان برخلاف بزرگسالان کلام پیشرفته‌ای ندارند تا بتوانند اتفاقات و اثرات آنها را برخود توصیف کنند، آنها سمبل‌هایی از زندگی واقعی را پیدا می‌کنند و آنچه فکر، تجربه یا احساس می‌کنند به نمایش در می‌آورند و در این میان عروسک‌ها بازیگران بخش‌های مختلفی از روح و روان کودک هستند. به‌عنوان نمونه، در بیمارستان از عروسک کادر پزشکی شامل دکتر، پرستار و بازیچه‌هایی که نشان‌دهنده سرم، سرنگ و وسایل پزشکی بودند استفاده می‌کردیم. اغلب کودکان با احتیاط به وسایل پزشکی نزدیک می‌شدند و گاهی مدت زمانی طول می‌کشید تا با عروسک‌های کادر پزشکی مشغول بازی شوند. کودک بیمار تقریباً هیچ تسلطی روی آنچه بر او می‌گذرد، ندارد و فقط مجبور به پذیرش اقدامات درمانی است که روی او انجام می‌شود. به همین دلیل وقتی می‌توانستند با استفاده از وسایل پزشکی، در نقش پرستار یا پزشک ظاهر شوند، احساس تسلط به آنها باز می‌گشت و گاهی با تکرار آنچه روزانه طی درمان تحمل می‌کردند، در واقع به درک و تاب‌آوری بهتری نسبت به جریان درمان می‌رسیدند. ضمن این‌که گاه عروسک‌ها آماج خشم کودکان هم می‌شدند.

رمان «کوکو» با تکنیک و مضمونی خوب و خواندنی است

پیشنهاد

علی مسعودی نیا
شاعر و روزنامه نگار

رمان کوکو اثر نگار داوودی که انتشارات «نو نوشت» امسال وارد بازار کتاب کرده است یکی از رمان‌های خوبی است که تاکنون خوانده ام؛ با اینکه نویسنده اولین رمانش را نوشته است اما در مقایسه با کتاب اولی‌ها هم از نظر تکنیک روایت و هم از نظر مضمون رمان خوبی نوشته است و می‌توان گفت که این رمان جزو کتاب‌های خواندنی است.

داستان رمان درباره یک زن است. او با اینکه دو فرزند دختر دوقلو دارد که در دبستان درس می‌خوانند یک دفعه متوجه می‌شود که باردار است. و خدا به او یک پسر می‌دهد.

سیر داستان بر مدار افسردگی عجیب زن می‌گذرد و در طول رمان خشم ویرانگری از این زن می‌بینیم، خشمی که کاملاً ملموس و خواندنی است.

نویسنده کتاب با زبانی ساده داستانش را روایت می‌کند و در خلال روایتش صحنه‌های درخشانی را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد.

روایت داستان تک گویی درونی است و راوی با اطرافیانش به خاطر افسردگی اش به حالت قهرگونه برخورد می‌کند؛ در حقیقت این رمان مجموعه‌ای از خاطرات گذشته و حال فعلی راوی است که در کنار هم کلیات روایت را می‌گذرانند. این روایت به‌صورت یک روایت ذهنی صرف نیست و ما رخدادهای معمول زندگی این زن را در خلال داستان می‌بینیم. به‌نظر من مخاطبان نباید برای انتخاب و خواندن یک کتاب به نام ناشر و جلد کتاب صرفاً نگاه کنند. گاهی یک کتاب از یک نویسنده جدید به مراتب خواندنی‌تر است.

به نام تاریخ

■ **۱۶اسفند**

سیصد و پنجاه و دومین روز از سال با نام‌های بزرگ موسیقی ایران همراه است که اینجا آثارشان را مرور می‌کنیم و کمی درباره آنها می‌خوانیم.

■ **تولدها**

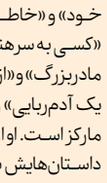

جلال ذوالفنون: نوازنده سه تار و ردیف دان برجسته موسیقی ایرانی اگر زنده بود امروز ۸۳ ساله می‌شد. جلال ذوالفنون از کودکی موسیقی را آموخت و در هنرستان موسیقی ملی با سازهای تار و ویلن آشنا شد و تکنیک‌های سه تار را از موسی معروفی یاد گرفت. در دوران دانشگاه بر نواختن سه تار تمرکز کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن صبا و ارسلان درگاهی شد. او در سال‌های فعالیتش در مراکزی چون مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران نواختن سه‌تار را تدریس کرد و کنسرت‌های بسیاری برگزار کرد. ذوالفنون نخستین کسی است که کتاب آموزش سه‌تار را نوشت و برنامه‌های مختلفی برای آشنا کردن مردم جهان با موسیقی ایرانی برگزار کرد. آلبوم‌های «دانه‌های مروارید»، «گل صد برگ»، «آتشی در نیستان»، «موسی و شبان»، «باد صبا می‌آید»، «مستانه»، «سرمستان»، «شب عاشقان»، «شرح فراق»، «بی نشان»، «داغ تنهایی»، «شیدایی»، «باغ پر برگی» و «پیوند» با آهنگسازی و نوازندگی او منتشر شدند. ذوالفنون سال ۱۳۹۰ درگذشت.

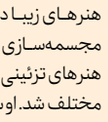

گابریل گارسیا مارکز: نویسنده کلمبیایی «صد سال تنهایی» سال ۱۹۲۷ در چنین روزی به دنیا آمد. گابریل گارسیا مارکز در دوران مدرسه داستان‌نویسی را آغاز کرد و از دهه ۱۹۴۰ میلادی شروع به روزنامه‌نگاری کرد. نخستین داستان‌های کوتاهش هم در همان سال‌ها در مجله‌ها منتشر شدند. نخستین کتاب او با نام «ساعت شوم» سال ۱۹۶۲ منتشر شد و از سال ۱۹۶۵ شروع به نوشتن «صد سال تنهایی» کرد و دو سال بعد این کتاب منتشر شد. کتاب به موفقیتی چشمگیر دست پیدا کرد و سال ۱۹۸۲ برای آن برنده جایزه نوبل ادبیات شد. پس از آن رمان‌های «پاییز پدرسالار»، «عشق سال‌های وبا»، «ژنرال در هزارتوی خود» و «خاطرات دلبرکان غمگین من» و مجموعه داستان‌های «کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد»، «زائران غریب»، «تشییع جنازه مادربزرگ» و «از عشق و شیاطین دیگر» از مارکز منتشر شدند. «گزارش یک آدم‌ربایی» و «زنده‌ام که روایت کنم» هم کتاب‌های غیرداستانی مارکز است. او از نویسندگان سبک رئالیسم جادویی بود که بسیاری از داستان‌هایش با الهام از خاطرات دوران کودکی‌اش نوشته می‌شدند. مارکز سال ۲۰۱۴ درگذشت.

■ سالروز تولد **میکل آنژ** نقاش و مجسمه ساز ایتالیایی، **رکن‌الدین خسروی** نویسنده و مترجم، **دیوید گیلمور** نوازنده انگلیسی گروه پینک فلوید، **فرشادصفت صفایی** شاعر، **نداکاووسی فر** داستان‌نویس، **جواد ماه‌زاده** داستان‌نویس و **حسین یعقوبی** داستان‌نویس هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

لیلیت تریان: مادر مجسمه‌سازی ایران سال ۱۳۹۷ در چنین روزی درگذشت. لیلیت تریان متولد ۱۳۰۹ بود و به علت علاقه مادرش به هنر از کودکی با طراحی و نقاشی آشنا شد. پس از مدتی تحصیل در رشته نقاشی در دانشگاه تهران راهی فرانسه شد تا در مدرسه عالی هنرهای زیبا در پاریس تحصیل کند و پیش از ورود به این مدرسه به مجسمه‌سازی علاقه‌مند شد. پس از بازگشت به ایران در دانشکده هنرهای تزئینی تدریس را آغاز کرد و مشغول ساخت مجسمه‌های مختلف شد. او سال ۱۳۵۷ خانه پدرش را به کارگاه هنر تبدیل کرد و در نمایشگاه‌های مختلفی در ایران و جهان شرکت کرد. پیکره پیرم خان در کلیسای مریم مقدس تهران و پیکره یادبود مسروپ ماشتونس پدیدآور الفبای ارمنی از آثار اوست.

احمد عزیزی: شاعر آیینی ایران سال ۱۳۹۵ درگذشت. احمد عزیزی متولد ۱۳۳۷ بود و از دوران جوانی سرودن شعر را آغاز کرد. او فرم جدیدی از سبک مثنوی را ارائه داد که تأثیر زیادی بر شعر معاصر ایران داشت. عزیزی با اشعار آیینی و حماسی‌اش درباره انقلاب، دفاع مقدس و عرفان اسلامی شناخته می‌شود و «کفش‌های مکاشفه»، «ترجمه زخم»، «جبرئیل آباد الهام»، «تابستان عزلت»، «کولیان شبنم فروش»، «طغیان ترانه»، «ملکوت تکلم»، «قوس غزل»، «ترانه‌های ایلیایی» و «رؤیای رؤیت» از آثار اوست.

شاپور نیاکان: نوازنده مشهور ویلن و پایه‌گذار ارکستر شماره ۵ رادیو تهران سال ۱۳۷۲ درگذشت. شاپور نیاکان متولد ۱۳۰۵ بود و به دلیل علاقه پدرش به موسیقی از کودکی نواختن ویلن را آموخت. او سال ۱۳۲۴ به رادیو رفت و پس از پذیرش در آزمون آن ارکستر شماره ۵ رادیو را با حضور استادانی چون فرهنگ شریف، حسین همدانیان، انوشیروان روحانی و میرفتاح بازرگان تشکیل داد و آن را رهبری کرد. «توفان عشق» نخستین آهنگی بود که نیاکان ساخت و در فیلمی به همین نام از آن استفاده شد. او در طول دوران فعالیتش بیش از ۳۰۰ آهنگ ساخت که توسط خوانندگانی چون داریوش رفیعی، بهرام سپیر، منوچهر همایون‌پور و حسن طاووسی اجرا شد. نیاکان ترانه بیشتر آهنگ‌هایش را هم خودش می‌سرود.

■ **همایون شهنواز** کارگردان و نویسنده هم در چنین روزی درگذشت.

عکس نوشت

جاکوب لارنس نقاش مشهور امریکایی اوایل دهه ۶۰ و همزمان با جنبش حقوق بشر مدرن در امریکا مجموعه‌ای به نام «تقلا» یا «تقلا: از تاریخ مردم امریکا» کشیده بود که شامل ۶۰ تابلوی ۱۲ در ۶۰ اینچی (۳۰ در ۴۰ سانتیمتری) با تکنیک تمپرا (چسب رنگ) بود. این مجموعه به موضوعات مرتبط با مهاجران و تلاش برای استقرار حقوق بشر، استعمار امپراطوری‌های اروپایی و جنگ جهانی اول می‌پرداخت. چند تابلو از این مجموعه ارزشمند گم شده بودند که اولین تابلوی گمشده اکتبر ۲۰۲۰ پیدا شد و اکنون دومین تابلوی گمشده همزمان با برگزاری نمایشگاه سراسری این مجموعه پیدا شده است. تابلوی ۲۸ با زیرنویس «مهاجران پذیرفته شده از همه کشورها: ۱۸۲۰ تا ۱۸۴۰، ۱۱۵ هزار و ۷۷۳ نفر» از سال ۱۹۶۰ دیده نشده بود و تنها کپی سیاه و سفیدی از آن برای کارشناسان و اساتید دانشگاه در دست بود. تابلوهای ۱۴، ۲۰ و ۲۹ هنوز مفقود هستند.